

برای ایجاد فرهنگ تفاهم از کجا شروع کنیم؟

لیلی محمدحسین

برای همدلی در مدرسه، به طوری که احساس کنیم در تمام فضا روح تفاهم و گفت‌وگو به جای بدبینی و جدال حاکم است، باید همه اجزای نظام مدرسه دست به دست هم دهند تا با اجرای روش‌هایی در کلاس درس یا خارج از آن، به تقویت این فرهنگ کمک کنند. یکی از عواملی که ممکن است موجب اختلاف شدید بین دانش‌آموزان و کادر آموزشی و اجرایی مدرسه شود، رفتارهای خلاف مقررات و هنجارهای جامعه و مدرسه است. روش برخورد با این رفتارها یا موقعیت‌های مسئله‌ساز، تعیین‌کننده نوع فرهنگ حاکم بر مدرسه است.

در مدارسی که روش‌های احیاکننده تربیتی به کار می‌رود، دانش‌آموزان یاد می‌گیرند با عواقب رفتار غیرقابل پذیرش خود مواجه شوند، صدمه‌ای را که به محیط یا به دیگران زده‌اند اصلاح کنند و جامعه مدرسه را بسازند.

دانش‌آموزی عصبانی می‌شود و به معلم ناسزا می‌گوید، معلم او را به دفتر می‌فرستد، ناظم حضور او را در کلاس به مدت سه روز به حالت تعلیق درمی‌آورد (یا او را از مدرسه اخراج می‌کند).

همه ما از بی‌ادبی و از دست رفتن حد و مرزهای رفتاری و اولیای غیرمسئولی که چنین بچه‌هایی بزرگ کرده‌اند، دلخوریم و این تنبیه را چنین توجیه می‌کنیم: «دانش‌آموز باید پاسخگوی رفتارش» باشد. اما این تنبیه منفعلانه است. زیرا دانش‌آموز مجبور نیست کاری انجام دهد. بنابراین از دست معلم و ناظم عصبانی باقی می‌ماند. چون فکر می‌کند قربانی شده است. او در نظر نمی‌گیرد چطور به دیگران صدمه زده است یا چطور می‌تواند اوضاع را درست کند و چند روز بعد به کلاس درس برمی‌گردد، در حالی که هیچ مشکلی حل نشده است.



ذهن ما انسان‌ها برای برقراری ارتباط طراحی شده است و برای سلامت عاطفی احتیاج داریم به جامعه‌ای احساس پیوند و تعلق داشته باشیم

روش‌های تنبیهی نه فقط رفتار منفی را کاهش نمی‌دهد بلکه در واقع آن را تشدید می‌کند. با روش‌های احیاکننده،

دانش‌آموزان با رفتار غیرقابل پذیرش خود مواجه می‌شوند و در فرایندهایی که بیشتر حمایت‌کننده‌اند تا خوارکننده، مسئولیت آن را به دوش می‌گیرند.

پیش فرض اصلی در این روش آن است که وقتی افراد در موضع قدرت (مانند مدیر، معاون یا معلم در مدرسه) همراه با افراد تحت پوشششان کاری انجام می‌دهند به جای در برابر یا برای آن‌ها، آن‌ها افراد خشنودتر، همراه‌تر و خلاق‌تر می‌شوند و به احتمال قوی در رفتارشان تغییرات مثبت ایجاد می‌کنند.

سه روش مؤثر احیاکننده

● برگزاری جلسه حمایت‌کننده یا اصلاحی

رسمی‌ترین فرایند احیاکننده که به برنامه‌ریزی قبلی احتیاج دارد و در موارد بسیار جدی به کار گرفته می‌شود، برگزاری جلسه حمایت‌کننده است. در این جلسه، تسهیل‌کننده‌ای آموزش دیده، همه افراد درگیر در ماجرا را فرامی‌خواند تا بررسی کنند چه اتفاقی افتاده است، چه کسی آسیب دیده است و برای درست شدن اوضاع چه کارهایی لازم است انجام شود. شرکت‌کنندگان گرد می‌نشینند و یکی یکی صحبت می‌کنند. بعضی از گروه‌ها از یک «سنگ سخن» استفاده می‌کنند. تسهیل‌کننده از نوشته‌های استفاده می‌کند که در آن سؤال‌هایی برای هدایت شرکت‌کنندگان وجود دارد تا درباره ماجرا بیندیشند؛ اینکه چه کسی و چطور از این ماجرا آسیب دیده است و شرایط چطور اصلاح می‌شود. مثلاً در یکی از مدرسه‌های آمریکایی ماجرای رخ داده بود. دو دختر ۱۳ ساله مبلغ ۲۰ دلار را از کیف کسی که به عنوان داوطلب آموزش زبان دوم از مدرسه بازدید می‌کرد دزدیده بودند. او کیفش را در کلاسی خالی رها کرده بود. در برگشت، دو دختر را دیده بود که با نگاهی عجیب آنجا ایستاده بودند. یکی از دخترها فوراً به قصد دست‌شویی بیرون رفته و پول را آنجا پنهان کرده بود.

بعدها ماموران امنیتی مدرسه پول را در سطل زباله دست‌شویی پیدا کردند. بعد از اینکه هر دو دختر به گناهشان اعتراف کردند، مدیر تصمیم گرفت جلسه‌ای اصلاحی برگزار کند. جلسه یک هفته بعد از دزدی تشکیل شد. یازده نفر

در آن شرکت کردند: مشاور که جلسه را تسهیل می‌کرد، دو دختر، سه نفر از خانواده‌های دو دختر، یک داوطلب، یک معلم، مدیر، یک ناظر و معاون مدرسه. به نظر جان بیلی، مدیر آموزش مستمر در «مؤسسه بین‌المللی روش‌های احیاکننده»، خیلی خوب خواهد بود که هم قربانی و هم گناهکار، کس دیگری را که تحت تأثیر ماجرا قرار گرفته است در جلسه داشته باشند؛ کسی که شخصاً برای آن‌ها دل می‌سوزاند. معمولاً حداقل تعداد برای چنین جلسه‌ای پنج نفر است.

طی جلسه، بازدیدکننده (قربانی) توضیح داد که ماجرا چطور به او صدمه زده است. شوهرش مریض و بیکار بود و او تنها نان‌آور خانه محسوب می‌شد. بنابراین، ۲۰ دلار برای او مبلغ قابل توجهی بود. وقتی دخترها موضوع را شنیدند، به گریه افتادند. دختری که پول را برداشته بود، گفت: هرگز نمی‌دانستم کاری که کردم چطور به بقیه صدمه می‌زند. هر دو دختر پشیمان بودند. قربانی هم اشک ریخت.

مدیر مدرسه می‌گفت که این تجربه برای او بسیار خوب بوده است، چون در چنین مواردی، معمولاً اولیا حالت تدافعی به خود می‌گیرند و بعد سر بچه‌شان داد می‌کشند. در این ماجرا، دخترها به جای خشمگین شدن، از کارشان شرم‌منده و پشیمان شده بودند و اولیای آن‌ها سپاس‌گزار بودند که مدرسه به دخترانشان فرصتی دوباره داده است. بعداً دخترها نامه عذرخواهی به بازدیدکننده نوشتند و از آن به بعد هیچ رفتار مشکل‌داری از آن دو سر نزد.

چنین جلسه اصلاحی می‌تواند تأثیر شگرفی بر رفتار دانش‌آموزان بگذارد ولی روش‌های غیررسمی حمایت‌کننده نیز بر فرهنگ مدرسه تأثیر بسزایی دارند؛ چون این روش‌های غیررسمی از نظر کمیت زیادند و جزئی از زندگی روزمره مدرسه هستند. در مدرسه‌ای که روش‌های حمایت‌کننده جزو هنجارهای آن است، معلمان و معاونان در مواجهه با رفتارهای چالش‌برانگیز، به طور معمول، از سؤال‌هایی که در جلسه اصلاحی مطرح شد استفاده می‌کنند تا به دانش‌آموزان کمک کنند درباره تأثیر رفتارشان بر دیگران بیندیشند.

فرض کنید پسری کلاس را به هم می‌ریزد. به جای اینکه او را به دفتر مدیر مدرسه بفرستیم که در این حالت فقط عصبانی و آماده تکرار همان رفتار می‌شود، معلمش ممکن است از او بپرسد: «فکر می‌کنی از اینکه کلاس را به هم بریزی چه کسی صدمه می‌بیند؟» با این سؤال ممکن است دانش‌آموز متوجه شود که نه تنها معلم بلکه هم‌کلاسی‌هایش نیز آسیب می‌بینند، چون او وقت یادگیری‌شان را هدر می‌دهد. جوانان ممکن است به این جور فکر کردن عادت

روش‌های تنبیهی نه فقط رفتار منفی را کاهش نمی‌دهد بلکه در واقع آن را تشدید می‌کند

● برگزاری دایره حمایت‌کننده

یکی دیگر از روش‌های احیاکننده

یا اصلاحی برگزار کردن دایره یا جمع حمایت‌کننده است. این جمع‌های پیش‌گیرنده برای دانش‌آموزان فرصت‌هایی فراهم می‌کنند تا احساسات، ایده‌ها و تجاربشان را با هم در میان بگذارند. در این جمع، همه فرصت صحبت کردن دارند و هیچ‌کس حرف دیگری را قطع نمی‌کند. معلمان ممکن است از این جمع برای بازخورد گرفتن درباره موضوعی مثل آزمون که در آینده‌ای نزدیک ممکن است برگزار شود، استفاده کنند یا فقط از بچه‌ها بخواهند درباره تعطیلات آخر هفته‌شان حرف بزنند. این جمع‌ها برای دانش‌آموزانی که به دلیل خجالتی بودن، بی‌تفاوتی، خشم یا ترس از کف شدن در کلاس - به طور معمول در کلاس صحبت نمی‌کنند، بسیار مؤثر است. یک معلم علوم اجتماعی که در کلاسش چند دانش‌آموز دارای نیازهای خاص شرکت می‌کنند، از برگزاری این جمع‌ها احساس موفقیت می‌کند. او می‌گوید قبل از برگزاری این جمع‌ها، بعضی از این دانش‌آموزان در طول ترم بیش از چهار یا پنج بار حرف نمی‌زدند. ولی بعد از برگزاری مرتب این جمع‌ها اوضاع فرق کرده است. این دانش‌آموزان الان به سؤال‌هایی که در کلاس مطرح می‌شود با آمادگی پاسخ می‌گویند و در بحث‌های کلاسی شرکت می‌کنند.

معمولاً در برگزاری این جمع‌ها، معلم اجازه می‌دهد هر کس نمی‌خواهد صحبت کند نوبت را به نفر بعدی دهد ولی در دور دوم ممکن است همان دانش‌آموز را خطاب قرار دهد و از او سؤال‌های مشخصی درباره گفته‌های دیگران بپرسد تا همه احساس کنند در پیشبرد گفت‌وگو سهم دارند. شواهد علمی زیادی نشان می‌دهند که ذهن ما انسان‌ها برای برقراری ارتباط طراحی شده است و برای سلامت عاطفی احتیاج داریم به جامعه‌ای احساس پیوند و تعلق داشته باشیم. روش‌های حمایت‌کننده کمک می‌کنند تا این احساس پیوند در جامعه مدرسه ایجاد شود. این روش‌ها، برای پرورش دانش‌آموزانی محترم و مسئول، بهترین‌ها هستند.

پی‌نوشت

۱. مطابق با یک سنت قدیمی سرخ‌پوستی، هر کس که صحبت می‌کرد، یک سنگ معین و مخصوص به نام سنگ سخن را در دست می‌گرفت و تا زمانی که این شیء را در دست داشت و سخن می‌گفت، کسی حرف وی را قطع نمی‌کرد.

منابع

1. <http://www.ascd.org/publications/educational-leadership>
۲. هارتکه مایر، مارتینا و یوهانس؛ ل. فریمن، دوریتی. با هم اندیشیدن، راز گفت‌وگو. ترجمه فاطمه صدرعاملی. انتشارات اطلاعات. ۱۳۸۲.

نداشته باشند. آن‌ها در ابتدا به راهنمایی احتیاج دارند ولی به سرعت آن را یاد می‌گیرند.

سؤال‌هایی برای کسانی که گناهکارند:

چه اتفاقی افتاد؟

آن موقع به چه فکر می‌کردی؟

از وقتی آن اتفاق افتاده است چه فکری کرده‌ای؟

فکر می‌کنی چه کسانی از اعمال تو و به چه صورتی

آسیب دیدند؟

فکر می‌کنی برای اصلاح امور چه کار باید بکنی؟

سؤال‌هایی برای کسانی که از گناه آسیب دیده‌اند:

وقتی فهمیدی چنین اتفاقی افتاده است، چه فکری

کردی؟

این اتفاق چه تأثیری بر تو و دیگران داشت؟

سخت‌ترین موضوع برای تو چه بود؟

فکر می‌کنی برای اصلاح امور چه کارهایی باید انجام

شود؟

● بیان جملات عاطفی

یکی از روش‌های غیررسمی حمایت‌کننده که به دانش‌آموزان کمک می‌کند تأثیر رفتارشان را بر دیگران درک کنند، عبارت‌های عاطفی است؛ یعنی بیان احساس در واکنش به رفتارهای مثبت یا منفی دیگران. عبارات عاطفی، شخصی را که به کارشان می‌برد، احساساتی می‌کند، فوراً ارتباط بین افراد درگیر را تغییر می‌دهد و ارتباطات بین افراد مدرسه را بهبود می‌بخشد.

فرض کنید شاگردی با کوبیدن مشتش روی میز، کلاس را به هم می‌ریزد. معلم ممکن است به جای «ساکت باش!» بگوید: «وقتی کلاس را این‌جوری به هم می‌ریزی، من دل‌سرد و عصبانی می‌شوم/ احساس دل‌سردی و خشم می‌کنم». بعضی از دانش‌آموزان ممکن است تعجب کنند که معلم هم احساس دارد و تحت تأثیر رفتار دانش‌آموز قرار می‌گیرد. این نوع گفت‌ووشنود، موجب قوام گرفتن ارتباطات می‌شود.

یا وقتی دانش‌آموزان برای انجام دادن تکلیفی که به نظرشان سخت می‌آید مقاومت می‌کنند و شکایت می‌کنند، معلم می‌تواند بگوید: «دل‌سرد می‌شوم وقتی می‌بینم شما در برابر این سختی دل‌سرد و تسلیم می‌شوید. می‌دانم که می‌توانید این کار انجام دهید. اگر کمک مرا می‌خواهید، به شما کمک می‌کنم ولی باید تلاش کنید». کافی است یک بار عاطفه را چنین درگیر کنید و تا پایان سال از آن بهره ببرید.